



همواره حرمت شریعتی را حفظ کرده ام

در مصاحبه مجله گرامی مه‌نامه با آقای احمد رضا کریمی اشاره ای به روابط مرحوم دکتر علی شریعتی با من شده است. لازم است توضیح کوتاهی بدهم. در حدود پنجاه سال پیش یادداشتی درباره کتاب «فی المنقد و المادب» ترجمه دوران نوجوانی دکتر شریعتی نوشتم که در نشریه انتقاد کتاب چاپ شد. در آن نوشته مقدمه کتاب را در حد مقالات نقد ادبی اروپایی دانسته بودم و سردبیر (دکتر غلامحسین ساعدی) با توجه به این نکته عنوان مناسب «حیف مقدمه برای متن» به آن یادداشت داده بود. ظاهراً (چنانکه یکی از گرامیان و نزدیکان دکتر شریعتی به من گفتند) به آن بزرگوار خبر داده بودند که در نشریه انتقاد کتاب مقدمه ترجمه یک مقاله خارجی دانسته اند. دکتر شریعتی هم در نامه ای مفصل این پنداشت را رد کرد. (کاش آن نامه را از ناشر گرفته بودم).

البته سوءتفاهم خیلی زود رفع شد. دکتر شریعتی مجله را دیده بود و دریافته بود که گزارش دهنده مطلب را درست دریافته است زیرا مدتی بعد که به مشهد رفتم به دیدنم آمد و وقتی خواستم توضیح بدهم گفت نیازی به توضیح نیست. حدس می‌زنم آن عزیز قضیه را در ضمن گفتگوهای زندان حکایت کرده و این حکایت در خاطره مستمع پس از گذشت چهار سال قدری دگرگونی و جابه جایی پیدا کرده و رنگ شکایت گرفته و فصلی از کتاب کویر جانشین مقدمه «فی المنقد و المادب» شده است. من نمی‌دانم کدام بخش از کتاب کویر را می‌توان ترجمه دانست. اگر کسی بتواند یک متن ادبی را با عبارات زیبای کتاب کویر ترجمه کند، خود یک نویسنده است. من هرگز درباره کتاب کویر چنین اظهار نظری نکرده‌ام البته من و مرحوم دکتر شریعتی دو عالم و دو راه متفاوت داشته ایم اما این امر مانع دوستی و همدلی ما نبود. این دوستی که آن را تابع هیچ ملاحظه ای نمی‌دانم، از روز اول آشناییمان شروع شد (و بهترین اوقات من در اداره مطالعات و برنامه های وزارت آموزش و پرورش در مصاحبت با دکتر شریعتی گذشت) و تا کنون هم ادامه دارد من همواره از دکتر شریعتی به نیکی و با احترام یاد کرده‌ام. روزی که استاد شهید مطهری می‌خواستند اعلامیه ای را که با مرحوم آقای مهندس بازرگان امضاء کرده بودند پس بگیرند نظر مرا در مورد دکتر شریعتی پرسیدند. من به مناسبت موقع و مقام نظر آمیخته به تحسین خود را به ایشان گفتم ایشان هم گفته مرا تصدیق کردند و شواهدی آوردند که چون در جای دیگر نوشته‌ام به تکرار آن نیازی نمی‌بینم. دکتر شریعتی در مورد من و نوشته‌هایم هر چه گفته باشد من همواره حرمت او را حفظ کرده‌ام و حفظ می‌کنم. گمان نمی‌کنم آن عزیز بزرگوار هم کدورت خاطر از من داشته است. آقای کریمی حکایت تکدر خاطر بر اثر سوء تفاهم را عین تکدر دانسته است.